برخی مفاد قانونی درباره بازداشت یا احضار

در برابر فردی که از پرداخت بدهی خودداری می‌کند، چه باید کرد؟

ممکن است این اتفاق برای شما پیش بیاید که شخصی از دادن بدهی خود به شما خودداری کند. در این حالت چه کاری باید انجام داد؟ درصورتی‌که بدهکار حاضر به پرداخت بدهی خود نباشد، طلبکار می‌تواند حکم جلب او را از دادگاه بگیرد. یا حتی اگر از مال شما کلاهبرداری یا سرقت شده باشد، شما می‌توانید برای حکم جلب درخواستی به دادگاه ارائه کنید.

حکم جلب چیست؟

حکم جلب در واقع همان قرار جلب است. حکم جلب، رأی و تصمیمی است که از سوی دادگاه برای فیصله‌دادن به اختلاف‌های دو طرف صادر می‌شود. در پرونده‌های حقوقی مثل اختلافات مالی مانند چک و اختلافات مربوط به طلاق مثل مهریه و نفقه دستور حکم جلب به‌راحتی صادر نمی‌شود و معمولا زمان زیادی خواهد برد ولی در پرونده‌های کیفری مثل سرقت و کلاهبرداری حکم جلب راحت‌تر و سریع‌تر ابلاغ می‌شود.

چه زمانی حکم جلب صادر می‌شود؟

به‌طورکلی حکم جلب در دو صورت صادر می‌شود؛ در حالت اول قاضی پرونده برای اینکه فرد متهم را برای اجرای حکم وادار کند حکم جلب وی را صادر می‌کند. این حالت زمانی است که حکم قطعی شده باشد. حالت دوم زمانی است که اتهام فرد موردنظر هنوز اثبات نشده باشد، در این صورت قاضی برای رسیدگی بیشتر در پرونده دستور جلب او را صادر می‌کند. اگر متهم بعد از دعوت از سوی قاضی، در دادگاه حاضر نشود این بار حکم جلب وی صادر خواهد شد.

جلب عادی با جلب سیار چه تفاوتی دارد؟

در صورتی که شاکی از نشانی محل زندگی فرد متهم اطلاع داشته باشد، آن را در اختیار قاضی و دادگاه قرار می‌دهد تا حکم جلب او صادر شود. این حکم جلب از نوع عادی است. در حکم جلب عادی قاضی حکم را به یک کلانتری خاص آن محل ابلاغ می‌کند. ولی اگر شخص طلبکار نشانی بدهکار را نداشته باشد یا متهم فراری باشد، در این صورت به دادگاه اعلام می‌کند و حکم جلب سیار صادر می‌شود. در جلب سیار حکم جلب به تمام کلانتری‌های حوزه قضائی صادر می‌شود تا متهم را هرچه سریع‌تر پیدا کنند. البته باید بدانید که در پرونده‌های حقوقی این‌چنینی دستور جلب مجازات به شمار نمی‌رود و حکم جلب فقط برای تحت فشار قراردادن متهم و ادای دین صادر می‌شود.

دستور جلب چگونه صورت می‌گیرد؟

شاکی خصوصی برای دریافت بدهی خود از متهم بدهکار به دادگاه شکایت می‌کند. شاکی بعد از شکایت و گرفتن حکم محکومیت بدهکار، اجرای حکم را به دادگاه ارائه می‌کند. حال اولین کاری که باید شاکی انجام دهد، معرفی یکی از اموال بدهکار به دادگاه است تا او را وادار به پرداخت بدهی کنند. البته ممکن است شخص بدهکار مال و اموالی نداشته باشد که بدهی خود را تسویه کند. در این صورت «طبق ماده ۲ قانون اجرای محکومیت‌های مالی ابتدا بدهکار به دادگاه احضار شده و دستور جلب او برای پرداختن به بدهی خود صادر می‌شود». چنانچه پرداخت بدهی به‌هیچ‌وجه میسر نباشد، قاضی متهم را تا زمان پراخت بدهی زندانی می‌کند. اگر فرد بدهکار قبل از پرداخت بدهی فوت کند، بدهی او بر عهده وراث خواهد بود.

مدت اعتبار حکم جلب

حکم جلب مدت زمان و اعتبار معینی دارد. اگر این مدت اعتبار به اتمام برسد و متهم پیدا نشود، شاکی پرونده می‌تواند به تمدید قرارداد اقدام کند زیرا بعد از گذشتن از زمان موعد حکم صادرشده فاقد اعتبار خواهد بود و برای ادامه رسیدگی به پرونده حتما باید تمدید شود.

مزایای داشتن وکیل در گرفتن حکم جلب

به‌طورکلی همواره داشتن وکیل حقوقی برای حل مسائل و مشکلات حقوقی ضروری است. بهتر است کار به کاردان سپرده شود. مثلا ممکن است شخص بدهکار اموال و دارایی بسیاری داشته باشد ولی ادعای نداری کند یا تمام اموالش را به نام یکی از نزدیکانش زده باشد تا بدهی خود را پرداخت نکند، در این شرایط دو حالت پیش می‌آید؛ اگر بعد از شکایت طلبکار، اموالش را به نام کس دیگری زده باشد، در این صورت اموالش توقیف می‌شود تا بدهی خود را پرداخت کند. ولی اگر اموالش را قبل از اینکه شکایتی انجام بگیرد، به نام دیگری زده باشد، کار سخت می‌شود و وجود وکیل برای پیشبرد پرونده به سود شاکی ضروری می‌شود.

قرار منع تعقیب چیست؟

قرار منع تعقیب یکی از قرارهای نهایی است که در مرحله تحقیقات مقدماتی صورت می‌گیرد و قرار مذکور صادر می‌شود. بازپرس یا دادیار پرونده این قرار را صادر می‌کند. اگر بازپرس پرونده بعد از انجام تحقیقات به این نتیجه برسد که اتهام به فرد موردنظر قابل اثبات نیست و دلایل و مستندات کافی برای آن وجود ندارد، او را رها می‌کند و دیگر قابل‌تعقیب نخواهد بود. در این صورت حضور وکیل برای اعتراض و خواستار تجدیدنظر به دادگاه لازم می‌شود. پس صدور این حکم دلایلی خواهد داشت. اگر اثبات شود عملی که متهم انجام داده، جرم نیست یا مثلا ممکن است متهم شرایط خاصی داشته باشد و جرم در حالت محجوریت رخ داده باشد، قرار منع تعقیب صادر می‌شود.به این ترتیب اگر بی‌گناهی فرد اثبات شود، حکم برائت فرد صادر می‌شود و دیگر مجرم شناخته نمی‌شود.

اعتراض به قرار منع تعقیب

بعد از درخواست تجدیدنظر و ارائه اعتراض شاکی پرونده به دادگاه فرستاده می‌شود تا این بار دوباره از سوی دادگاه بررسی شود و اگر صلاح بر این بود که دستور بازپرس صحیح نیست، دادگاه قرار بازپرس را نقض کرده و دستور جلب و رسیدگی به این پرونده را صادر می‌کند.

مهلت اعتراض به قرار منع تعقیب چقدر است؟

اگر تصمیم دادستان مبنی بر پرداخت جریمه در عوض پرداخت جریمه باشد، متهم می‌تواند با پرداخت جریمه در نظر گرفته‌شده موجب بستن پرونده شود. ولی اگر متهم حاضر به پرداخت جریمه نشود و هنوز ادعای بی‌گناهی و مجرم‌نبودن کند، به معنی این خواهد بود که پرونده همچنان باز است و تحقیقات ادامه خواهد داشت.

چگونه حکم جلب را لغو کنیم؟

سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا می‌توان حکم جلب را لغو کرد؟

جواب سؤال مثبت است ولی بستگی به جرم و دادگاه تصمیم‌گیرنده هم دارد. درصورتی‌که اعسار شخص بدهکار تأیید شود، یعنی ثابت شود که اموالی ندارد که بدهی‌اش را پرداخت کند، فقط در صورتی لغو حکم جلب امکان‌پذیر خواهد بود که فرد با سپردن وثیقه آزاد شود، تا زمانی که تکلیفش مشخص شود.

آنچه باید درباره قوانین احضار و دستگیری بدانیم

ضابط فقط اجراکننده حکم قاضی است و نه خود قاضی

نسترن فرخه: طبق قانون فرد در زمان احضار به مقامات قضائی باید علاوه بر رؤیت حکم قانونی، از علت احضار خود هم مطلع شود؛ اما گاهی در پرونده‌های سیاسی و اجتماعی این اتفاق نمی‌افتد و در مواردی هم، متهم یا شاهد از این حق قانونی خود خبر ندارند که منجر به پیچیده‌ترشدن موضوع می‌شود.

البته معمولا زمانی دستور جلب صادر می‌شود که فرد با وجود لزوم به احضار در برابر مرجع قضائی، مراجعه نکرده باشد، البته در آن زمان هم علت جلب باید ذکر شود؛ اما طبق نظر برخی وکلا به هر حال در محاکم قضائی گاهی اوقات در برابر این مسائل غفلت به وجود می‌آید.

همچنین در مواردی اتفاق افتاده که مأموران و اجراکنندگان قانون برای پرونده‌ای مشخص اقدام می‌کنند؛ اما در خلال آن، با وجود عدم حکم قضائی موضوعات دیگر را به پرونده وارد می‌کنند. درصورتی‌که طبق نظر وکلا، اگر فردی به جرم جعل تحت تعقیب قرار دارد، مأمور حق ندارد به موضوعات دیگر اشاره کند و آنها را بررسی کند؛ چون آن لحظه فقط حکم برای آن اتهام است، مگر اینکه مسئله مجرمانه جدیدی آن لحظه کشف شود که به دستور جدید نیاز دارد.

تخلف در علت احضار چندان قابل پیگیری نیست

کامبیز نوروزی، حقوق‌دان و وکیل پایه یک دادگستری، درمورد جلب اشخاص که گاه علت آن ذکر نمی‌شود، می‌گوید: معمولا هر کسی که به حوزه قضائی احضار می‌شود در احضار باید علت قید شده باشد؛ یعنی فرد اگر متهم، شاهد یا مطلع است، علت احضار را باید بداند که این احضار کتبی است، البته در مواردی هم به شکل تلفنی قابل قبول است.

این وکیل اضافه می‌کند: این قاعده درمورد جلب هم وجود دارد، معمولا زمانی دستور جلب صادر می‌شود که آن فرد با وجود لزوم به احضار در برابر مرجع قضائی، مراجعه نکرده باشد، البته در آن زمان هم علت جلب باید ذکر شود؛ اما به هر حال در محاکم قضائی گاهی اوقات درمورد این مسائل غفلت می‌شود.

نوروزی ادامه می‌دهد: البته این موارد در سال‌های اخیر وضعیت بهتری داشته و دقت بیشتری برای ذکر علت صورت گرفته؛ اما همچنان گه‌گاه پیش می‌آید که علت احضار ذکر نشود که چندان امر قابل پیگیری‌ای نیست. اتفاقی که می‌افتد، این است که اگر تخلفی صورت گرفته باشد، در سلسله مراحل اداری در دستگاه قضائی، آن فردی که غفلت کرده مورد تذکر قرار می‌گیرد که این اتفاق نباید می‌افتاده است.

طبق حقوق شهروندی، دستگیری باید در روز انجام بگیرد و نه در شب

نعمت احمدی، وکیل پایه یک دادگستری و عضو کانون وکلای مرکز، درباره حکم سیار برای جلب افراد به این نکته اشاره می‌کند که: توجه کنید که هر منطقه را براساس تقسیمات جغرافیایی که به وزارت کشور اعلام شده، در نظر می‌گیرند و همین به حوزه‌های قضائی مختلف شهرستان‌ها تقسیم می‌شود. در این شرایط هر اتفاقی که می‌افتد، باید حوزه مربوطه رسیدگی کند، مثلا اگر در ساوه اتفاقی می‌افتد، تهران به آن رسیدگی نمی‌کند و در همان حوزه جغرافیایی مربوطه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

احمدی اضافه می‌کند: حال اگر جرمی در حوزه قضائی همان ساوه رخ دهد و متهم به تهران آمده باشد، در این شرایط ما از مفهوم نیابت قضائی استفاده می‌کنیم تا قاضی اصلی پرونده به قاضی در منطقه دیگر نیابت دهد تا رسیدگی را انجام دهد؛ بنابراین نیابت از قاضی اول که به اصل قضیه رسیدگی می‌کند، به قاضی دوم می‌رسد، نیابت هم به دو صورت است؛ یا می‌گویند فلان شخص در فلان منطقه است، تحقیق کنید و اگر اتهام بر او وارد است، تفهیم اتهام کنید. اگر هم منجر به بازداشت شد، تحت‌الحفظ این کار را انجام دهید و پرونده را ارجاع دهید، همچنین یا به منطقه‌ای که فرد به آنجا رفته، می‌روند و او را دستگیر می‌کنند؛ یعنی تفهیم اتهام و بازداشت صورت می‌گیرد.

این وکیل اضافه می‌کند: همچنین دستگیری هر فرد به این سادگی هم نیست و کامل قانون و مقررات خود را دارد و در حقوق شهروندی هم این مباحث را داریم که مثلا دستگیری باید در روز انجام شود و شب نباید این اتفاق بیفتد یا اگر فردی به جرم جعل تحت تعقیب قرار دارد، مأمور حق ندارد به موضوعات دیگر اشاره کند و آنها را مورد بررسی قرار دهد؛ چون آن لحظه فقط حکم برای آن اتهام است، مگر اینکه مسئله مجرمانه جدیدی آن لحظه کشف شود که به دستور جدید نیاز دارد. پس ضابط قاضی نیست و فقط مجری و اجراکننده دستورات قاضی است؛ بنابراین افراد در مواجهه با مأموران باید حکم قانونی را درخواست کنند، نشان‌دادن کارت شناسایی کافی نیست، کارت شناسایی که هویت فرد است؛ ولی باید دستور قضائی را که مبنی بر انجام عمل است، نشان بدهد.

احمدی در پایان می‌گوید: اگر ما خودمان حقوق قانونی‌مان را بشناسیم، دیگر شاهد این اتفاق‌ها نمی‌شویم؛ حتی رأی وحدت دیوان عدالت اداری داریم که پلیس‌هایی که سر راه ماشین‌ها ایست و بازرسی می‌دهند، حق ندارند ماشین مردم را بگردند، هر ماشین یک وسیله مستقلی است؛ یعنی ماشین شما مستقل و ماشین من هم مستقل است. اگر ماشین من را می‌خواهند بگردند باید حکم مستقلی برای فقط ماشین من نداشته باشند، همچنین مراجع مختلفی داریم که کار پلیس و ضابط را انجام می‌دهند. بسیج، سپاه، اطلاعات و خود پلیس نیروی انتظامی را در این موضوع داریم. این باعث می‌شود برخی نیروها هر طور بخواهند رفتار کنند؛ درصورتی‌که هر نیرو باید طبق مجوز قضائی اقدام کند و در انتها اینکه قانون اگر حرمتی دارد، برای هر دو طرف است و همه مردم در برابر قانون یکسان هستند.

یادداشت

جلب اشخاص باید با دستور مقام قضائی باشد و به متهم ابلاغ شود

عبدالصمد خرمشاهی
وکیل پایه یک دادگستری

مطابق ماده ۴ قانون آیین‌نامه کیفری، اصل بر برائت افراد است و این در قانون اساسی هم آمده است. هرگونه اقدام محدودکننده و ورود به حریم خصوصی اشخاص، جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضائی مجاز نیست. در هر صورت این اقدامات باید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد نکند که این موضوع در منشور حقوق شهروندی هم آمده است و بسیار تأکید شده که در راستای رعایت حقوق متهم باشد.

همچنین تنها کسی که می‌تواند دستور جلب بدهد، مقام قضائی است و مقام قضائی هم ابتدا به ساکن مگر در موارد استثنائی که جرم مشروط و ابدی باشد، حق جلب افراد را ندارد. مأموران نیروی انتظامی در جرائم مشروط اگر جرم مشروط ببینند، حق دارند آن طرف را بازداشت کنند، آن هم ۲۴ ساعت بیشتر اجازه ندارند متهم را نگه دارند؛ بنابراین احضار افراد، دستگیری و جلب افراد به جز در موارد اضطراری و مشروط مخالف قانون و حقوق شهروندی و حقوق افراد است. این موارد هم در قانون آیین دادرسی کیفری و هم در منشور حقوق شهروندی و در سایر قوانین تصریح شده است.

پس صرفا مقام قضائی می‌تواند دستور جلب دهد مگر به جرم مشهود است، اگر شخصی مورد خطاب به این قضیه قرار گرفت، آن‌هم از سوی افرادی که سمتی ندارند، طبیعی است که می‌تواند شکایت کند.

ماده ۷ قانون آیین دادرسی می‌گوید در تمام مراحل دادرسی کیفری رعایت حقوق شهروندی از سوی تمام مقامات قضائی و ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارت وارده به مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند و اگر در سایر قوانین، مجازات شدیدتری مقرر شده باشد؛ بنابراین این موضوع صریحا در دست قانون است و اگر خلاف قانون حقوق افراد مدنظر قرار نگرفت، شخصی که مرتکب این عمل شده، باید مطابق ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی مجازات شود.

همچنین آمار دقیقی از نتیجه این شکایت‌ها وجود ندارد و حتی نمی‌توان به صورت تقریبی هم به آن استناد کرد که چقدر از این افراد حقوق‌شان تضییع شده و به کجا شکایت کرده‌اند، آیا پیگیری شده یا نه، چون آمار دقیقی در دست نیست. مسئله مهم این است که حقوق متهم باید رعایت شود؛ یعنی حقوق افراد باید رعایت شود. این را در قانون هم داریم.

• جدول ۴۲۲۳ • طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- مشک- غذایی از بادمجان- هفتمین ماه سریانی ۲- گره فرش- شاعر فقید نوپرداز و سراینده ابراهیم در آتش ۳- مصلحت- انبار گندم- یک نفر ۴- پول کاغذی- هم بایسته- لباس رزم ۵- تکرار حرفی- دانشمند دینی- فضای بین دو خط ۶- مخفی- قابل خواندن- دست‌نخورده ۷- نوع، گونه- قند نیشکر- از ماهیان جنوب ایران ۸- دوستی خالص- ضمیر متکلم وحده- آژیر خطر ۹- متولدشده- فیلمی ساخته جان فورد که می‌توان گفت سینمای وسترن را به پختگی رساند- جانشین هنرپیشه در صحنه‌های خطرناک ۱۰- بله انگلیسی- رمان مشهور دافنه دو موریه- عاشق ۱۱- جنین- انجام کاری بیش از یک بار- ریشه ۱۲- صومعه- گهواره- مربوط ۱۳- محروم‌کردن کسی از چیزی- وسیله کمک‌حرکتی بیماران- پایین‌آمدن قیمت ۱۴- رشته‌ای در قایقرانی- فرزند اسماعیل نبی(ع) ۱۵- باز را خنثی می‌کند- از تیم‌های فوتبال باشگاهی عربستان- دستی

عمودی:

۱- ویژه- نوعی کباب- خدمتکار پیر ۲- اقامتگاه تابستانی- همگانی، عمومی- خاک سرخ ۳- اتاق درس- سمبل- معاهده‌ای که به جنگ جهانی اول پایان داد ۴- دادگاه- منکر وجود خدا- ضربه‌ای با پا ۵- عدد اول- ناپاک شرعی- نی خیزران ۶- سامانه‌ای در سیستم بانکی برای انتقال پول- واحد شمارش پل- بوی رطوبت ۷- سترون- خربزه نارس- مضاعف ۸- مکان- آنچه از توتون و تنباکو استعمال می‌شود- فرمانده کیانی ۹- اسب سرکش- زیاده‌گو- نوعی سوسیس ۱۰- ضربه سر در فوتبال- برنج‌فروش- نیکوکاران ۱۱- ابلیس- دندان‌های نیش- عرب می‌گوید: بگو ۱۲- درخت انگور- به مقام قرب الهی رسیده- صحیح‌بودن ۱۳- سانسور- شهر بهارنارنج ایران- پرخاش ۱۴- افسارگسیخته- ارمغان- نقاش ایرانی عهد تیموری و صفوی ۱۵- صدای گرگ- کاخی معروف در قلب مسکو- گویشی در غرب ایران

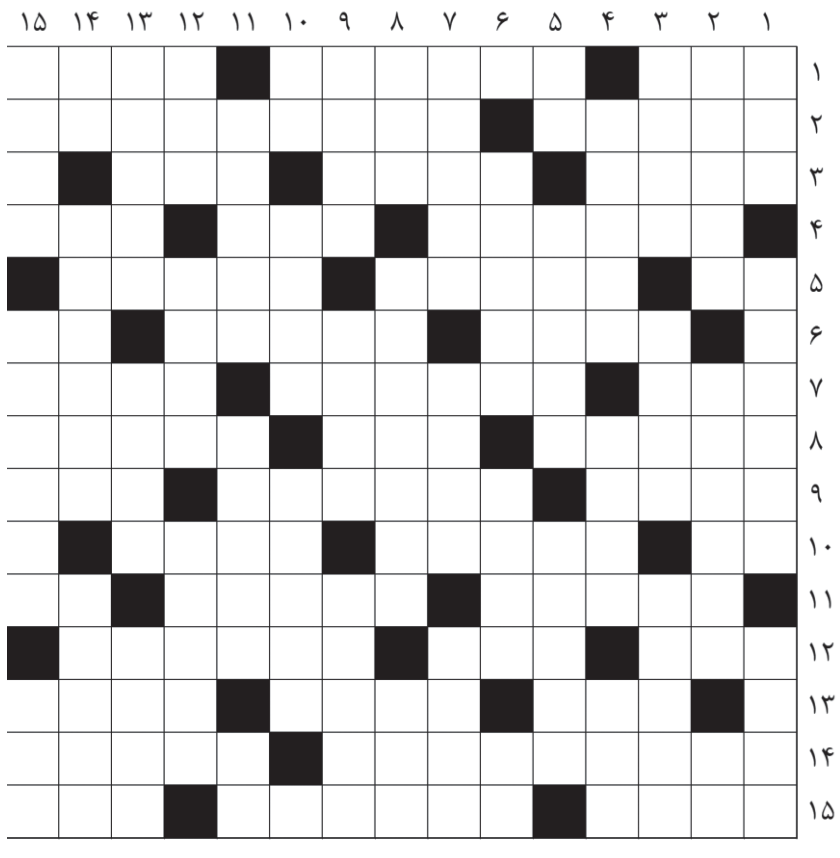

• حل سودوکو سخت

۴	۵	۷	۲	۱	۶	۳	۹	۸
۲	۸	۳	۴	۵	۹	۷	۶	۱
۶	۱	۹	۳	۸	۷	۴	۵	۲
۳	۶	۲	۱	۹	۸	۵	۴	۷
۵	۹	۱	۷	۴	۳	۸	۲	۶
۷	۴	۸	۶	۲	۵	۹	۱	۳
۹	۳	۵	۸	۶	۲	۱	۷	۴
۱	۷	۶	۵	۳	۴	۲	۸	۹
۸	۲	۴	۹	۷	۱	۶	۳	۵

• حل سودوکو ۳۲۱۸

۸	۷	۵	۲	۱	۴	۶	۹	۳
۱	۹	۲	۶	۷	۳	۸	۴	۵
۶	۳	۴	۸	۵	۹	۷	۱	۲
۳	۱	۹	۵	۶	۲	۴	۷	۸
۷	۵	۶	۱	۴	۸	۳	۲	۹
۴	۲	۸	۳	۹	۷	۱	۵	۶
۹	۸	۷	۴	۳	۵	۲	۶	۱
۲	۴	۱	۹	۸	۶	۵	۳	۷
۵	۶	۳	۷	۲	۱	۹	۸	۴

• حل جدول ۴۲۲۲

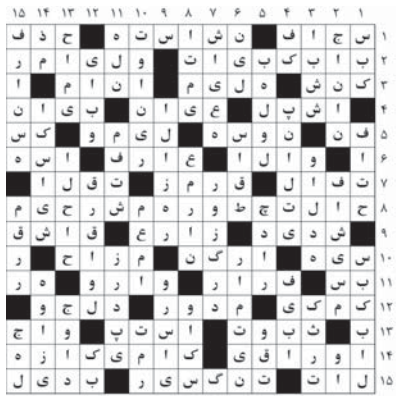

• سودوکو سخت ۳۲۱۹

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

				۵		۳	۹	
۹			۸				۲	
		۴	۲				۸	۵
			۶					
۵		۹		۱		۴		۳
					۴			
۱	۲				۸	۷		
	۶				۷			۲
	۹	۳		۲				

• سودوکو ساده ۳۲۱۹

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۸							۹	۱
			۶	۱	۴	۸	۳	
			۲	۹	۸			۷
		۵			۲		۸	
			۷		۱			
	۱		۹			۲		
۵			۳	۷	۹			
	۹	۸	۱	۲	۶			
۷	۲							۶